



جغرافیا و روابط انسانی، تابستان ۱۴۰۵، دوره ۹ شماره ۲، صص ۵۲۰-۵۰۳

تحلیل بازآفرینی شهری در بافت‌های فرسوده از منظر سناریونویسی و مستندسازی کالبدی نمونه پژوهی: خیابان مدرس شهر کرمانشاه

کاوه نادری، مصطفی خزائی^۲، مسلم حدیدی^۳، بهروز بادکوبه^۴

۱- کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری

۲- عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی کرمانشاه، پژوهشکده توسعه کالبدی mostafa1986khazaei@gmail.com

۳- عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی کرمانشاه، پژوهشکده توسعه کالبدی

۴- عضو هیئت علمی دانشگاه علم و فرهنگ، جهاد دانشگاهی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۲۴

چکیده

بافت‌های فرسوده شهری به‌ویژه در هسته‌های مرکزی شهرها، با چالش‌های درهم‌تنیده کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی مواجه‌اند که مداخلات سنتی و مقطعی قادر به حل آن‌ها نبوده‌اند. پژوهش حاضر با هدف تحلیل سناریوهای مداخله کالبدی و مستندسازی روند توسعه در محدوده خیابان مدرس کرمانشاه، به بررسی وضعیت موجود، ارزیابی طرح‌های اجراشده، و نقد رویکردهای غیرمشارکتی و فاقد آینده‌نگری می‌پردازد. روش تحقیق مبتنی بر تحلیل اسنادی، برداشت میدانی، و پیمایش اجتماعی با استفاده از پرسشنامه‌ای معتبر و پایا (آلفای کرونباخ ۰/۸۱) بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تمرکز صرف بر تعریض معابر و اصلاح کالبدی بدون توجه به ساختار اجتماعی، هویت تاریخی، و مشارکت ساکنان، موجب گسست فضایی و کاهش تعلق اجتماعی شده است. همچنین، تغییرات کاربری بدون در نظر گرفتن ظرفیت‌های فرهنگی و اقتصادی بافت، به نفع سوداگران و به زیان ارزش‌های میراثی عمل کرده است. در مقابل، وجود مدیریت متمرکز، پتانسیل‌های کالبدی، و هم‌جواری با بازار سنتی، فرصت‌هایی برای بازآفرینی مشارکتی و توسعه پایدار فراهم می‌سازد. در نهایت، پژوهش بر ضرورت تلفیق سناریونویسی، تنظیم مجدد زمین، و برنامه‌ریزی مشارکتی در طراحی مداخلات آینده‌نگر تأکید دارد تا بتوان به احیای هویت، ارتقاء کیفیت زیست، و پایداری اجتماعی در بافت‌های فرسوده شهری دست یافت.

کلیدواژه‌ها: بازآفرینی شهری، سناریونویسی مشارکتی، نوسازی بافت فرسوده، کرمانشاه.

مقدمه و بیان مسئله

رشد شتابان شهرنشینی در دهه‌های اخیر، چالش‌های متعددی را در ابعاد کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی برای شهرهای ایران، به‌ویژه در بافت‌های تاریخی و فرسوده، به همراه داشته است (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۴؛ پاسیون، ۲۰۰۱). این بافت‌ها که زمانی پاسخگوی نیازهای ساکنان خود بوده‌اند، امروزه به‌دلیل تحولات فناورانه، تغییر الگوهای زیستی و مهاجرت‌های گسترده، با افت عملکردی، فرسودگی کالبدی، ضعف زیرساختی و کاهش سرزندگی مواجه‌اند (ویلسون، ۲۰۰۲؛ زنده‌دل، ۱۳۸۴). در نتیجه، تضاد میان ساختار کهن و الزامات شهر معاصر، به یکی از مسائل بنیادین مدیریت شهری بدل شده است (شماعی و پوراحمد، ۱۳۸۵).

بافت‌های فرسوده، علی‌رغم ناکارآمدی‌های موجود، واجد ارزش‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی‌اند و ظرفیت‌های بالقوه‌ای برای توسعه درون‌زا و احیای هویت شهری دارند (فرهودی و محمدی، ۱۳۸۴؛ پیکارد و تایسه، ۲۰۰۱). با این حال، پیچیدگی چندبعدی مسائل این بافت‌ها—از جمله ریزدانه‌های قطعات، کمبود خدمات، ناسازگاری کاربری‌ها و گسست شبکه‌های ارتباطی—مستلزم رویکردی جامع، مشارکتی و چند رشته‌ای در مداخلات بازآفرینانه است (تالون، ۲۰۱۰؛ نریمانی، ۱۳۷۹).

در ایران، به‌ویژه در مراکز تاریخی شهرها، فقدان رویکردهای یکپارچه، مشارکتی و آینده‌نگر در برنامه‌ریزی، موجب بروز چالش‌هایی نظیر مدیریت بخشی، نبود نهادهای تخصصی، و ناتوانی در بهره‌گیری از ظرفیت‌های محلی شده است (حبیبی و حاجی‌بنده، ۱۳۸۸؛ برنامه اسکان بشر سازمان ملل، ۲۰۲۴). در چنین شرایطی، بازآفرینی این بافت‌ها مستلزم بهره‌گیری از ابزارهای تحلیلی نوین، از جمله سناریونویسی است تا بتوان با تلفیق داده‌های مکانی و توصیفی، گزینه‌های مداخله را به‌صورت نظام‌مند تحلیل و ارزیابی کرد (بیشاپ، هاینز و کالینز، ۲۰۰۷؛ ون ناتن و همکاران، ۲۰۰۳).

شهر کرمانشاه، با پیشینه‌ای تاریخی و فرهنگی غنی، دارای بافت مرکزی فرسوده‌ای است که به‌واسطه فرسایش کالبدی، ناکارآمدی کاربری‌ها، و کاهش سرزندگی شهری، نیازمند مداخلات بازآفرینانه است (دهاقانی، ۱۳۸۵). در این پژوهش، با رویکردی مبتنی بر تحلیل سناریو و مستندسازی کالبدی، تلاش می‌شود تا الگویی مداخله‌ای متکی بر سیاست «تنظیم مجدد زمین» طراحی گردد؛ الگویی که ضمن ارتقاء کیفیت محیط، مشارکت مؤثر ساکنان و نهادهای محلی را در سه مرحله کلیدی—نیازسنجی، امکان‌سنجی، و نهادسازی—مدنظر قرار می‌دهد (سورنسن، ۱۹۹۹؛ حبیبی و حاجی‌بنده، ۱۳۸۸).

این چارچوب سه‌مرحله‌ای، ابتدا با شناسایی نیازها و اولویت‌های ساکنان از طریق مطالعات میدانی آغاز می‌شود، سپس امکان‌سنجی مشارکت اجتماعی و نهایتاً طراحی نهادی برای اجرای طرح را دنبال می‌کند. هدف، ایجاد سازوکاری مشارکتی و منعطف برای بازآفرینی کالبدی بافت‌های فرسوده است که بتواند از طریق پیوند تحلیل‌های اجتماعی—فضایی در مقیاس خرد (بلوک شهری)، به تعریف پروژه‌های اجرایی متناسب با ویژگی‌های محلی منجر شود. در نهایت، پیشنهاد ایجاد نهادی محلی با عنوان «سازمان عمران و نوسازی محله» به‌عنوان بازوی اجرایی شهرداری، با

اختیارات قانونی مشخص، گامی در جهت تحقق مدیریت یکپارچه و مشارکتی در فرآیند نوسازی بافت‌های فرسوده خواهد بود.

روش تحقیق

اغلب داده‌های این تحقیقات برگرفته از سازمان‌های مختلف از جمله سازمان آمار کشور، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، سازمان مسکن و شهرسازی و سایر سازمان‌های مرتبط با مسائل شهری از جمله شهرداری کرمانشاه است. پاره‌ای از اطلاعات نیز با استفاده از پرسش‌نامه‌ها جمع‌آوری شده است. برای بررسی ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی ساکنان و مشخصات فیزیکی - کالبدی واحدهای مسکونی با توجه به جمعیت ساکن منطقه مورد مطالعه با استفاده از تکنیک پرسشنامه مشخصات و ویژگی‌های ساکنین بافت، با روش نمونه‌گیری تصادفی نمونه‌ها را تعیین و تکمیل کرده و از طریق تکنیک‌های آماری به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته‌ایم همچنین از مدل تحلیلی استراتژیک سوات و فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی شناسایی و اولویت‌بندی مشکلات بافت استفاده شده است. همچنین از سیستم اطلاعات جغرافیایی در ارائه نقشه‌های خروجی و سناریوسازی بهره گرفته شده است.

مبانی نظری

تحول در بافت‌های فرسوده شهری، یکی از مهم‌ترین چالش‌های برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در دهه‌های اخیر به‌شمار می‌رود (ایرجی و همکاران، ۱۴۰۲: ۴۰۶). این بافت‌ها که عمدتاً در هسته‌های تاریخی و مرکزی شهرها قرار دارند، به دلیل فرسودگی کالبدی، ناکارآمدی عملکردی، و افت سرمایه اجتماعی، نیازمند مداخلاتی چندبعدی، مشارکتی و آینده‌نگر هستند (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۴؛ تالون، ۲۰۱۰). مبانی نظری این پژوهش بر سه محور اصلی استوار است: نظریه‌های بازآفرینی شهری، سیاست‌های تنظیم مجدد زمین، و مشارکت‌پذیری در فرآیند نوسازی.

نظریه‌های بازآفرینی شهری

بازآفرینی شهری به‌عنوان یکی از رویکردهای کلیدی در مدیریت تحولات شهری، از دهه ۱۹۸۰ به‌ویژه در اروپا و سپس در آسیا و آمریکای شمالی، به‌عنوان پاسخی به بحران‌های کالبدی، اجتماعی و اقتصادی در نواحی شهری ناکارآمد مطرح شده است (رابرتز و سایکس، ۲۰۰۰). برخلاف نوسازی سنتی که عمدتاً بر تخریب و جایگزینی بناها تمرکز دارد، بازآفرینی شهری به دنبال احیای چندبعدی بافت‌های شهری با حفظ هویت تاریخی، ارتقاء کیفیت زندگی، و تقویت سرمایه اجتماعی است (هال و فایفر، ۲۰۰۰).

در ادبیات نظری، بازآفرینی شهری تلفیقی از مفاهیم توسعه پایدار، عدالت فضایی، تاب‌آوری، و مشارکت‌پذیری است (هیلی، ۱۹۹۷؛ لیز و همکاران، ۲۰۰۸). به‌ویژه، کواچ و همکاران (۲۰۰۳) تأکید می‌کنند که بازآفرینی موفق مستلزم درک زمینه‌مند از مسائل محلی، ظرفیت‌های نهادی، و پیوند میان سیاست‌های ملی و محلی است. در ایران نیز، حبیبی (۱۳۸۶) بازآفرینی شهری را راهبردی برای احیای بافت‌های فرسوده با تأکید بر مشارکت شهروندان، حفظ میراث فرهنگی، و ارتقاء کیفیت محیطی معرفی کرده است.

از منظر نظری، بازآفرینی شهری در سه سطح قابل تحلیل است:

- سطح کالبدی: شامل بهسازی فضاهای عمومی، ارتقاء زیرساخت‌ها، و ساماندهی شبکه‌های ارتباطی (تالون، ۲۰۱۰؛ هی‌وارد و مک‌گلین، ۱۹۹۵)
- سطح اجتماعی: شامل تقویت حس تعلق، ارتقاء سرمایه اجتماعی، و کاهش نابرابری‌های فضایی (لیز و همکاران، ۲۰۰۸؛ ویلسون، ۲۰۰۲).
- سطح اقتصادی: شامل جذب سرمایه‌گذاری، ایجاد فرصت‌های شغلی، و ارتقاء ارزش زمین و املاک (آدامز و هستینگز، ۲۰۰۱؛ بورایدی، ۲۰۰۱).

در مطالعات اخیر، مفهوم «بازآفرینی مشارکتی» نیز مطرح شده است که بر نقش فعال جامعه محلی در طراحی، تصمیم‌گیری و اجرای پروژه‌های بازآفرینی تأکید دارد (هیلی، ۱۹۹۷؛ برنامه اسکان بشر سازمان ملل، ۲۰۲۴). این رویکرد، به‌ویژه در بافت‌های فرسوده، می‌تواند به افزایش مشروعیت طرح‌ها، کاهش تعارضات، و ارتقاء اثربخشی مداخلات منجر شود.

همچنین، تجربه شهرهای اروپایی نظیر بارسلونا، لیورپول و روتردام نشان می‌دهد که بازآفرینی موفق زمانی تحقق می‌یابد که سیاست‌های کالبدی با برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تلفیق شوند و نهادهای محلی نقش تسهیلگر و هماهنگ‌کننده ایفا کنند (پانتر، ۱۹۹۹؛ پیکارد و تایسه، ۲۰۰۱). در مجموع، نظریه‌های بازآفرینی شهری بر این نکته تأکید دارند که احیای بافت‌های ناکارآمد، مستلزم رویکردی یکپارچه، زمینه‌مند و مشارکتی است که بتواند به‌صورت هم‌زمان به ارتقاء کیفیت محیطی، توانمندسازی اجتماعی، و پایداری اقتصادی منجر شود.

سیاست تنظیم مجدد زمین

تنظیم مجدد زمین یکی از مؤثرترین ابزارهای برنامه‌ریزی شهری برای ساماندهی کالبدی، ارتقاء بهره‌وری فضایی، و بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری محسوب می‌شود. این سیاست با هدف تجمیع قطعات ریزدانه، بازتوزیع منصفانه زمین میان مالکان، تأمین خدمات عمومی، و ارتقاء ارزش اقتصادی اراضی، به‌ویژه در نواحی مرکزی شهرها، طراحی شده است (سورنسن، ۱۹۹۹). در این فرآیند، مالکان زمین با واگذاری بخشی از اراضی خود برای تأمین زیرساخت‌ها، خدمات عمومی و اصلاحات کالبدی، در ازای دریافت قطعات جدید با ارزش بالاتر و موقعیت مناسب‌تر، در پروژه‌های نوسازی مشارکت می‌کنند. این سیاست نه تنها موجب ارتقاء کیفیت محیط شهری می‌شود، بلکه از طریق کاهش هزینه‌های تملک و جلب مشارکت داوطلبانه، به تسهیل اجرای پروژه‌های شهری کمک می‌کند (هونگ و نیدهام، ۲۰۰۷).

تجربه کشورهای شرق آسیا، به‌ویژه ژاپن، کره جنوبی و تایوان، نشان می‌دهد که موفقیت تنظیم مجدد زمین در گروی وجود چارچوب‌های حقوقی شفاف، نهادهای اجرایی توانمند، و مشارکت فعال مالکان و ذی‌نفعان است. در ژاپن، بیش از ۳۰٪ توسعه شهری از طریق این سیاست انجام‌شده و مدل‌های موفق نظیر پروژه‌های نوسازی در توکیو و اوزاکا، الگویی برای کشورهای در حال توسعه فراهم آورده‌اند (سورنسن، ۲۰۰۰؛ حبیبی و حاجی‌بنده، ۱۳۸۸).

در ایران، با وجود ظرفیت‌های بالقوه، اجرای تنظیم مجدد زمین با چالش‌هایی نظیر ریزدانی شدید قطعات، فقدان نهادهای تخصصی، مقاومت مالکان، و نبود قوانین اجرایی مشخص مواجه است (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۴). با این حال، مطالعاتی نظیر حبیبی و حاجی‌بنده (۱۳۸۸) نشان داده‌اند که با طراحی سازوکارهای مشارکتی، مرحله‌بندی اجرای طرح، و ایجاد نهادهای محلی هماهنگ‌کننده، امکان بهره‌گیری از این سیاست در بافت‌های فرسوده شهری ایران وجود دارد.

از منظر نظری، تنظیم مجدد زمین در پیوند با مفاهیم عدالت فضایی، توسعه پایدار، و مشارکت‌پذیری قابل تحلیل است. این سیاست می‌تواند به عنوان بستری برای تلفیق مداخلات کالبدی با برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی عمل کند و از طریق ارتقاء ارزش زمین، جذب سرمایه‌گذاری، و بهبود زیرساخت‌ها، به بازآفرینی درون‌زا و پایدار شهری منجر شود (آلترمن، ۲۰۰۷؛ آدامز و هستینگز، ۲۰۰۱).

در نهایت، تنظیم مجدد زمین نه تنها یک ابزار فنی، بلکه یک فرآیند اجتماعی و نهادی است که نیازمند اعتمادسازی، شفافیت، و تعامل مستمر میان نهادهای دولتی، مالکان، و جامعه محلی است (هیلی، ۱۹۹۷؛ برنامه اسکان بشر سازمان ملل، ۲۰۲۴). پژوهش حاضر با تمرکز بر بافت مرکزی شهر کرمانشاه، در پی آن است تا امکان‌سنجی و طراحی سناریوهای مداخله مبتنی بر این سیاست را در چارچوبی مستند و مشارکتی بررسی کند.

سناریونویسی در برنامه‌ریزی شهری

سناریونویسی یکی از ابزارهای کلیدی در آینده‌پژوهی شهری است که امکان تحلیل مسیرهای محتمل توسعه، ارزیابی پیامدهای تصمیمات، و طراحی گزینه‌های مداخله‌ای متناسب با شرایط محلی و اهداف بلندمدت را فراهم می‌سازد. این رویکرد، به‌ویژه در مواجهه با پیچیدگی، عدم قطعیت و پویایی محیط شهری، به عنوان ابزاری برای تصمیم‌سازی منعطف و مشارکتی شناخته می‌شود (ون ناتن و همکاران، ۲۰۰۳).

سناریونویسی در برنامه‌ریزی شهری، با شناسایی نیروهای پیشران، روندهای کلیدی، و عدم قطعیت‌های بحرانی، به تدوین سناریوهایی می‌پردازد که هر یک نمایانگر مسیرهای ممکن آینده‌اند. این سناریوها نه تنها به مدیران شهری کمک می‌کنند تا پیامدهای تصمیمات خود را در شرایط مختلف ارزیابی کنند، بلکه بستری برای گفت‌وگوی میان ذی‌نفعان، کاهش تعارضات، و ارتقاء مشروعیت سیاست‌های شهری فراهم می‌آورند (شوارتز، ۱۹۹۱).

در بافت‌های فرسوده شهری، که با مسائل چندبعدی کالبدی، اجتماعی و اقتصادی مواجه‌اند، سناریونویسی می‌تواند به عنوان ابزاری برای تلفیق دیدگاه‌های ساکنان، نهادهای محلی، و تصمیم‌گیران عمل کند. این رویکرد، با ایجاد فضای مشارکتی برای تصور آینده‌های ممکن، به طراحی مداخلاتی کمک می‌کند که هم از نظر فنی قابل اجرا و هم از نظر اجتماعی پذیرفتنی باشند (عنایت‌الله، ۱۳۸۷).

از منظر روش‌شناسی، سناریونویسی در برنامه‌ریزی شهری می‌تواند به صورت کمی (مانند مدل‌سازی سناریوهای فضایی با GIS و نرم‌افزارهای شبیه‌سازی) یا کیفی (مانند تحلیل لایه‌ای علی، تحلیل ساختاری، و رویکرد شبکه جهانی

کسب و کار انجام شود. هر یک از این روش‌ها، بسته به هدف پژوهش، سطح داده‌های موجود، و میزان مشارکت ذی‌نفعان، قابلیت‌های متفاوتی در طراحی سناریوهای مداخله دارند (بیشاپ، هاینز و کالینز، ۲۰۰۷).

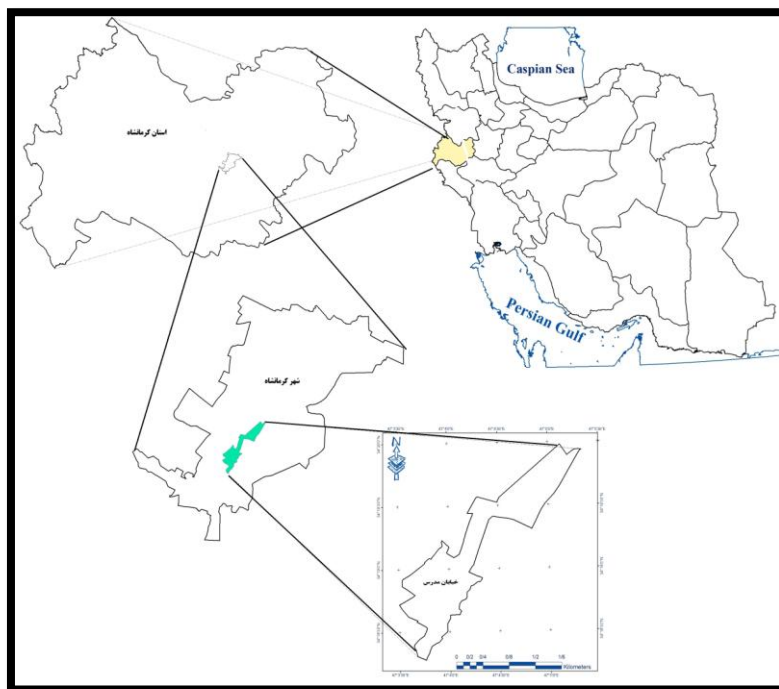
در ایران، استفاده از سناریونویسی در برنامه‌ریزی شهری هنوز در مراحل اولیه است، اما مطالعاتی نظیر حبیبی و همکاران (۱۳۸۷) در بافت‌های فرسوده تهران نشان داده‌اند که تلفیق سناریونویسی با مدل‌های سه‌بعدی و سامانه‌های اطلاعات مکانی می‌تواند به طراحی مداخلات کالبدی مؤثر و مستند منجر شود.

در نهایت، سناریونویسی نه تنها ابزاری برای پیش‌بینی آینده، بلکه روشی برای شکل‌دادن به آینده مطلوب از طریق گفت‌وگوی جمعی، تحلیل چندبعدی، و طراحی مداخلات منعطف و زمینه‌مند است. پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از این رویکرد، در پی آن است تا سناریوهای مداخله کالبدی در بافت مرکزی شهر کرمانشاه را در چارچوبی تحلیلی و مستند طراحی و ارزیابی کند.

معرفی منطقه مورد بررسی

محدوده مورد مطالعه در این پژوهش شهر کرمانشاه است که در میانه ضلع غربی ایران قرار دارد و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۳۲۲ متر است در سال ۱۴۰۰ جمعیت این شهر ۱,۲۹۳,۸۵۳ نفر بوده است این شهر با داشتن ۱/۸۶ درصد از جمعیت شهرنشین، استان بیشترین جمعیت شهری استان را در خود جای داده است (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۴۰۰). شهر کرمانشاه با موقعیت ۳۴ درجه و ۱۹ دقیقه عرض شمالی و ۴۷ درجه و ۷ دقیقه طول شرقی تقریباً در مرکز شهرستان کرمانشاه قرار گرفته است. مساحت شهر کرمانشاه بالغ بر ۸۷۹۶ هکتار است و دومین شهر بزرگ و پرجمعیت منطقه غرب و شمال غربی کشور پس از تبریز و بزرگ‌ترین شهر استان کرمانشاه محسوب می‌شود.

شکل ۱: موقعیت منطقه مورد مطالعه در کشور و استان



یافته‌های تحقیق

طرح مطالعاتی ساماندهی خیابان مدرس کرمانشاه که توسط شهرداری صورت گرفته است در چارچوب نظام برنامه‌ریزی خالی از اشکال نیست. این طرح بدون داشتن طرح بالادستی تهیه شده است. (طرح بافت فرسوده خیابان مدرس به دلیل شتاب در انجام از اعتبار علمی برخوردار نبوده و ضعف‌های آن بسیار آشکار است که کارفرما یعنی شهرداری آن را کنار گذاشته است. گرچه از طرح مذکور در ساماندهی بافت کرمانشاه هزینه شده است) و از هماهنگی با سایر طرح‌های شهری از یک سو و محله‌نگری از سوی دیگر تهی است. برای بررسی دقیق موضوع و تحلیل آن از روش ارزیابی سوات استفاده شده است. همان‌طور که در جدول سوات (SWOT) مشخص شده است، این طرح فاقد راهبرد و چشم‌اندازی برای آینده است. در حقیقت هدفمندی در این طرح به خوبی مشخص و بیان نشده است و شاید بتوان گفت این طرح در مجموع به دلایل ذکر شده توانایی کامل را برای ساماندهی خیابان کرمانشاه ندارد. زیرا، اولاً ویژگی‌های اجتماعی محله را در نظر نگرفته است و لذا مشارکتی نیست و مردم هیچ‌گونه نقشی در این طرح ندارند و مشاور فقط سود شهرداری در این طرح در نظر گرفته است.

نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد این‌که این طرح به‌جای توجه به کل بافت فرسوده خیابان فقط به تعریض و تملک خیابان توجه کرده است که در نهایت این تعریض از لحاظ سیمای شهری با بافت فرسوده و قدیمی نیز ناسازگاری پیدا خواهد کرد. در بقیه موارد در جداول کاملاً مشخص شده است که این طرح تا چه اندازه می‌توان به بافت فرسوده شهر کرمانشاه کمک کند.

جدول شماره ۱: ارزیابی ضعف و قوت از شرایط درونی طرح بر اساس مدل SWOT

شرایط درونی	
نقاط قوت	نقاط ضعف
توجه به اصلاح معابر	عدم توجه به مشارکت مردمی در طرح
بررسی شهر و منطقه در این مطالعات و تعیین جایگاه محله و خیابان	بی‌توجهی به توسعه پایدار و زیست محیط منطقه
بلوک‌بندی خیابان و تهیه نقشه‌های آن‌ها همراه با پلاک‌ها	بی‌توجهی به کیفیت نقشه‌ها
مشخص کردن اهداف طرح	طرح به‌جای ساماندهی در حد تعریض خیابان است
انجام توجیه اقتصادی طرح	عدم توجه به بافت فرسوده خیابان و اطراف
تهیه کاربری اراضی پیشنهادی برای خیابان	نبود شیوه مشخص برای اجرا کردن پروژه‌ها
ارائه وضعیت جمعیتی در خیابان	نبود اهداف طراحی مشخص
ارائه جدول زمان‌بندی در ۳۰ ماه شمسی	تحلیل اقتصادی یک‌طرفه و توجه به سود شهرداری
توجه به طرح فرادستی تفصیلی	عدم تحلیل مناسب از جداول و نقشه‌ها و ایجاد سردرگمی برای متخصصان
	عدم ارائه ساماندهی برای بافت فرسوده خیابان
	مشخص نشدن روند اجرای طرح

جدول شماره ۲: ارزیابی از شرایط بیرونی طرح بر اساس مدل SWOT

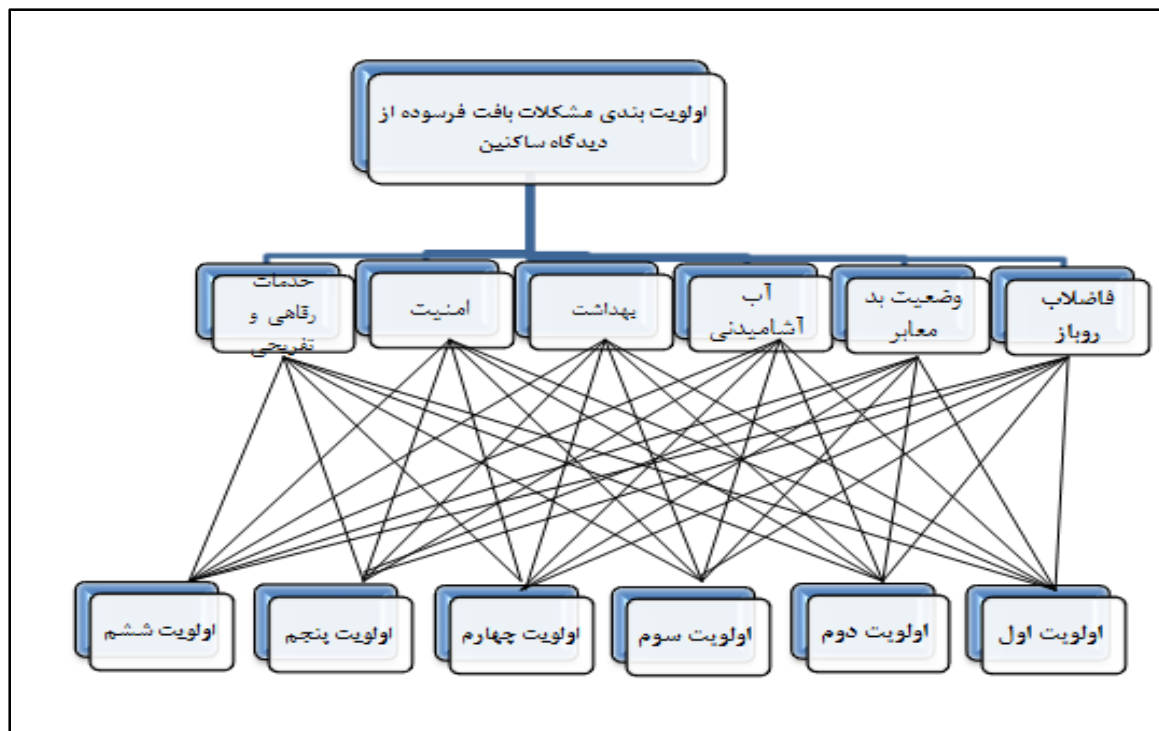
شرایط بیرونی		
بخش‌ها	نقاط قوت	نقاط ضعف
مدیریت اجرایی	ایجاد هماهنگی نسبی بین سازمانی ارائه طرح مدیریتی مبتنی بر حل مسئله ترافیک خیابان و منطقه ارائه مدیریت مالی نسبی در پروژه	نداشتن طرح بالادستی مرتبط با بافت فرسوده نبود راهبرد مشخص در برخورد با بافت فرسوده در شهرداری مشخص نبود چارت سازمانی برای ایجاد مدیریت بافت فرسوده در خیابان نبود کنترل پروژه در شهرداری کرمانشاه نبود تفکر پایدار در اصلاح بافت فرسوده در طرح عدم تعریف نقش سازمان‌ها در طرح
راهکارهای اجرایی	مشخص شدن مقادیر اصلاح در بافت خیابان جهت اجرا کردن مشخص شدن کاربری جدید پس از اجرا شدن	مشخص نبودن راهبرد برای بافت فرسوده مشخص نکردن شیوه‌های اجرا مشخص نکردن نقش مردم در اجرا نامشخص بودن شیوه تملک به‌عنوان راهکار اجرایی

جدول شماره ۳: ارزیابی از شرایط درونی طرح بر اساس مدل SWOT

شرایط درونی		
بخش‌ها	نقاط قوت	نقاط ضعف
مدیریت اجرایی	ایجاد هماهنگی نسبی بین سازمان‌ها ارائه طرح مدیریتی مبتنی بر حل مسئله چاره‌اندیشی برای ترافیک خیابان و منطقه ارائه مدیریت مالی در پروژه	مشخص نبود چارت سازمانی برای ایجاد مدیریت بافت فرسوده در خیابان نبود کنترل پروژه در شهرداری کرمانشاه نبود تفکر پایدار در اصلاح بافت فرسوده در طرح
راهکارهای اجرایی	مشخص شدن مقادیر اصلاح در بافت خیابان جهت اجرا کردن مشخص شدن کاربری جدید پس از اجرا	مشخص نبود راهکار اجرایی مشخص نکردن شیوه‌های اجرا مشخص نکردن نقش مردم در اجرا نامشخص بودن شیوه تملک به‌عنوان راهکار اجرایی

جدول شماره ۴: ارزیابی از شرایط بیرونی طرح بر اساس مدل SWOT

شرایط بیرونی		
بخش‌ها	فرصت‌ها	تهدیدها
مدیریت اجرایی	توجه به مدیریت در بافت فرسوده معرفی شهرداری به عنوان کارفرمای بافت	مداخله از نوع تعریض و تملک هدف طرح تعریض است تا ساماندهی مشخص نشدن متولی جهت اجرا
راهکارهای اجرایی	تأکید بر نقش شهرداری در این مطالعات و حضور در خیابان	بی‌توجهی به شیوه‌های رایج ساماندهی بافت فرسوده در کشور از سوی مشاور طرح نبود طرح بالادستی مرتبط نبود راهکار مشخص
زمان‌بندی		اجرا نشدن برنامه زمانی با بازدیدهای میدانی صورت گرفته



نمودار شماره ۱: ساختار سلسله‌مراتبی اولویت‌بندی مشکلات بافت فرسوده شهری از دیدگاه ساکنین

بعد از تجزیه مسئله به سلسله مراتب، عناصر سطوح مختلف به صورت دوتایی با هم مقایسه می شوند و سپس بر اساس میزان ارجحیت دو معیار، ارزش گذاری صورت می گیرد. این مرحله در سه گام انجام می گیرد:

تهیه ماتریس مقایسه در هر سلسله مراتب:

در این مرحله جهت انجام مقایسه، ماتریس 7×7 تشکیل و سپس با تخصیص مقادیر جدول غربال ساعتی، معیارهای مختلف دوتایی با هم مقایسه می شوند. در این مرحله با استفاده از روش تقریبی میانگین هندسی ردیف های ماتریس، ضرایب اهمیت معیارها که برابر است با تقسیم میانگین هندسی هر معیار به جمع میانگین ها به دست می آید (جدول شماره ۲) (زبردست و محمدی، ۱۳۸۴: ۱۴).

جدول شماره ۵: ماتریس مقایسه زوجی معیارها

گزینه ها	فاضلاب روباز	وضعیت بد معابر	آب آشامیدنی	بهداشت	امنیت	رفاهی تفریحی
فاضلاب روباز	۱	۳	۳	۲	۶	۲
وضعیت بد معابر	۰/۳۳	۱	۲	۳	۶	۱
آب آشامیدنی	۰/۳۳	۰/۵	۱	۶	۵	۲
بهداشت	۰/۵	۰/۳۳	۰/۱۶۶	۱	۲	۱
امنیت	۰/۱۶۶	۰/۱۶۶	۰/۲	۰/۵	۱	۴
رفاهی تفریحی	۰/۵	۱	۰/۵	۱	۰/۲۵	۱
جمع	۲/۸۶	۵/۹۹	۶/۸۶	۱۳/۵	۲۰/۲۵	۱۱

گزینه ها	فاضلاب روباز	وضعیت بد معابر	آب آشامیدنی	بهداشت	امنیت	رفاهی تفریحی	وزن نسبی
فاضلاب روباز	۲/۷۵	۰/۵۰۰	۰/۴۳۷	۰/۱۴۸	۰/۲۹۶	۰/۱۸۱	۰/۷۱۸
وضعیت بد معابر	۰/۱۱۵	۰/۱۶۶	۰/۲۹۱	۰/۲۲۲	۰/۲۹۶	۰/۰۹۰	۰/۳۳۱
آب آشامیدنی	۰/۱۱۵	۰/۰۸۳	۰/۱۴۵	۰/۴۴۴	۰/۲۴۶	۰/۱۸۱	۰/۲۰۲
بهداشت	۰/۱۷۴	۰/۰۵۵	۰/۰۲۴	۰/۰۷۴	۰/۰۹۸	۰/۰۹۰	۰/۰۸۵
امنیت	۰/۰۵۸	۰/۰۲۷	۰/۰۲۹	۰/۰۳۷	۰/۰۴۹	۰/۳۶۳	۰/۰۹۳
رفاهی تفریحی	۰/۱۷۴	۰/۱۶۶	۰/۰۷۲	۰/۰۷۴	۰/۰۱۲	۰/۰۹۰	۰/۰۹۸

بعد از تعیین ضریب اهمیت هریک از معیارها، ضریب اهمیت گزینه ها مشخص می شود. در این مرحله ارجحیت هر یک از گزینه ها نسبت به معیارها بر مبنای مقیاس کمی ساعتی مورد قضاوت قرار می گیرد.

جدول شماره ۶: تعیین وزن‌های نسبی معیار و گزینه‌ها

هدف	معیار	وزن نسبی	گزینه	وزن نسبی
اولویت‌بندی مشکلات ساکنین بافت‌های فرسوده شهری بافت مرکزی کرمانشاه	فاضلاب روباز	۰/۷۱۸	اولویت اول	۰/۳۰۳
			اولویت دوم	۰/۳۱۱
			اولویت سوم	۰/۹۸
			اولویت چهارم	۰/۰۴۲
			اولویت پنجم	۰/۰۲۳
			اولویت ششم	۰/۲۱۲
	وضعیت بد معابر	۰/۳۳۱	اولویت اول	۰/۳۰۰
			اولویت دوم	۰/۲۱۲
			اولویت سوم	۰/۰۵۶
			اولویت چهارم	۰/۲۱۰
			اولویت پنجم	۰/۲۱۲
			اولویت ششم	۰/۰۲۳
	آب آشامیدنی	۰/۲۰۲	اولویت اول	۰/۰۸۷
			اولویت دوم	۰/۰۹۸۸
			اولویت سوم	۰/۰۹۲
			اولویت چهارم	۰/۰۸۷
			اولویت پنجم	۰/۱۱۱
			اولویت ششم	۰/۰۶۸
	بهداشت	۰/۰۸۵	اولویت اول	۰/۳۲۰
			اولویت دوم	۰/۱۸۷
			اولویت سوم	۰/۰۹۰
			اولویت چهارم	۰/۱۹۰
			اولویت پنجم	۰/۱۵۹
			اولویت ششم	۰/۰۳۲
	امنیت	۰/۰۹۳	اولویت اول	۰/۴۱۳
			اولویت دوم	۰/۱۷۸
			اولویت سوم	۰/۲۱۹
			اولویت چهارم	۰/۰۲۳
			اولویت پنجم	۰/۰۴۸
			اولویت ششم	۰/۰۳۷
	خدمات رفاهی تفریحی	۰/۰۹۸	اولویت اول	۰/۲۱۳
			اولویت دوم	۰/۲۹۰
			اولویت سوم	۰/۰۹۹
			اولویت چهارم	۰/۰۸۰
			اولویت پنجم	۰/۱۱۸
			اولویت ششم	۰/۰۸۷

مأخذ: نگارنده

اولویت‌بندی مشکلات با مدل سلسله‌مراتبی نشان می‌دهد که وضعیت فاضلاب و رسیدگی به آن از دیدگاه مردم در اولویت اول قرار دارد وضعیت ژئومورفولوژی و ریخت‌شناسی مناطق مرکزی و محدوده مورد مطالعه نشان می‌دهد که یکی از تنگناها و عوامل اصلی در این مشکل معابر تنگ و باریک، شیب زیاد، قدیمی بودن وضعیت دفع فاضلاب و .. از عواملی است که رسیدگی به این مسئله را دچار مشکل کرده است. در اولویت بعدی وضعیت بد معابر قرار دارد که هرچند در سال‌های اخیر نهادهای درگیر نسبت به تعریض، آسفالت و .. معابر اقدام کرده‌اند اما باز این اقدامات جوابگو نیاز مردم نبوده و از وضعیت بد معابر گلایه دارند. و در اولویت‌های بعدی آب آشامیدنی، خدمات رفاهی تفریحی، امنیت و بهداشت قرار دارد.

تعیین امتیاز نهایی گزینه‌ها:

در این قسمت با تلفیق و ترکیب امتیاز معیارها و همچنین گزینه‌ها که از ماتریس‌های مقایسه‌ای زوجی حاصل شدند، امتیاز نهایی هر گزینه به دست می‌آید. برای این منظور از اصل ترکیب سلسله‌مراتب ساعتی که منجر به بردار اولویت با در نظر گرفتن همه قضاوت‌ها در تمامی سطوح سلسله‌مراتبی می‌شود، استفاده خواهد شد (شکل شماره ۲) (زبردست ۱۳۸۰، ۱۸).

$$= \text{امتیاز نهایی (اولویت) گزینه } \sum_{k=1}^n \sum_{i=1}^m W_k W_i (g_{ij})$$

که در آن؛ W_k : ضریب اهمیت معیار k ، W_i : ضریب اهمیت زیرمعیارها i ، g_{ij} : امتیاز گزینه j در ارتباط با زیر معیار i

بررسی سازگاری قضاوت‌ها:

این قسمت از تحقیق برای تعیین درجه دقت و صحت وزن دهی از شاخص ناسازگاری^۱ (I.I) مورد استفاده قرار می‌گیرد که بر مبنای رویکرد بردار ویژه تئوری گراف محاسبه می‌گردد. چنانچه شاخص معادل ۰/۱ یا کمتر از آن باشد وزن دهی صحیح بوده، در غیر این صورت وزن دهی نسبی داده شده به معیارها بایستی تغییر یابند و وزن دهی مجدداً باید انجام شود (قدسی‌پور، ۱۳۸۷: ۸۰-۶۸)

ساعتی برای بررسی ناسازگاری در قضاوت‌ها، نرخ ناسازگاری^۲ (I.R) را به کار می‌برد که از تقسیم شاخص ناسازگاری (I.I) به شاخص تصادفی بودن^۳ (R.I) حاصل می‌شود.

$$I.I = \frac{\lambda_{max} - n}{n - 1}$$

شاخص ناسازگاری

^۱ Inconsistency index

^۲ Inconsistency Ratio

^۳ Random index

در این روش مدل سلسله‌مراتبی به‌جای (λ_{max}) از L به شرح زیر استفاده می‌شود:

$$L = \frac{1}{n} \left[\sum_{i=1}^n (AW_i / W_i) \right]$$

AW = برداری است که از ضرب ماتریس مقایسه زوجی معیارها (ماتریس A) در بردار W_i به دست می‌آید (زبردست، ۱۳۸۰: ۱۹) W_i = وزن معیارها.

۱- محاسبه بردار AW

$$AW = \begin{bmatrix} 1 & 3 & 3 & 2 & 6 & 2 \\ 0.33 & 1 & 2 & 3 & 6 & 1 \\ 0.33 & 0.5 & 1 & 6 & 5 & 2 \\ 0.5 & 0.33 & 0.16 & 1 & 2 & 1 \\ 0.16 & 0.16 & 0.2 & 0.5 & 1 & 4 \\ 0.5 & 1 & 0.5 & 1 & 0.25 & 1 \end{bmatrix} \begin{bmatrix} 0.718 \\ 0.331 \\ 0.202 \\ 0.085 \\ 0.093 \\ 0.098 \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} 3.241 \\ 1.882 \\ 1.774 \\ 0.869 \\ 0.763 \\ 0.997 \end{bmatrix}$$

۲- محاسبه L

$$L = \frac{1}{6} \left[\frac{3.141}{0.718} + \frac{1.182}{0.331} + \frac{1.574}{0.202} + \frac{0.769}{0.085} + \frac{0.563}{0.093} + \frac{0.797}{0.098} \right] = 6.49$$

۳- محاسبه شاخص سازگاری CI

-۵

$$CI = \frac{L-n}{n-1}$$

$$CI = \frac{6.49-6}{6-1} = 0.09$$

۴- محاسبه نرخ سازگاری

$$CR = \frac{CI}{RI}$$

$$CR = \frac{0.09}{1.24} = 0.07$$

$$CR = 0 < 0.1$$

نرخ سازگاری ۰.۰۵۳ بیانگر قضاوت صحیح و دقت کافی در تعیین ارزش معیارها نسبت به یکدیگر است.

جدول شماره ۷: شاخص ناسازگاری ماتریس‌های تصادفی (I.I.R.)

n	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
I.I.R.	۰	۰	۰/۵۸	۰/۹	۱/۱۲	۱/۲۴	۱/۳۲	۱/۴۱	۱/۴۵	۱/۴۹	۱/۵۱	۱/۴۸	۱/۵۶	۱/۵۷	۱/۵۹

برای هر ماتریس حاصل تقسیم شاخص ناسازگاری بر ماتریس تصادفی (I.I.R.) هم بعدش، معیار مناسبی برای قضاوت در مورد ناسازگاری است که نرخ ناسازگاری (I.R.) نامیده می‌شود.

$$I.R. = \frac{I.I.}{I.I.R.}$$

چنانچه این عدد کوچک‌تر یا مساوی ۰/۱ باشد سازگاری سیستم قابل قبول است در غیر این صورت باید در قضاوت‌ها تجدیدنظر نمود با توجه به ماهیت روش‌های ارائه شده و موضوع تحقیق از روش AHP برای وزن‌دهی معیارها استفاده شده است. زیرا مقدار معیارها زیاد بوده با شکستن موضوع حل آن نیز انجام می‌شود. مقایسه زوجی وزن دهی بهتر و قضاوت دقیق‌تر را میسر می‌سازد. همچنین تحلیل سازگاری و حساسیت دقت کارایی مدل را افزایش می‌دهد. (اصغر پور، ۱۳۸۱).

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

در حال حاضر بافت قدیم شهر کرمانشاه با مسائل و مشکلات عمده‌ای در زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی و کالبدی روبرو است. با وجود اینکه تاکنون طرح‌ها و برنامه‌های متعددی در بخش‌های از بافت موجود اجرا شده اما به دلیل عدم برخورداری از نگرش‌های کل‌نگر و تأکید بیشتر بر روی مسائل کالبدی و به حاشیه رفتن موضوعات اجتماعی و نقش مشارکت‌های مردمی - به عنوان عامل اصلی موفقیت این گونه طرح‌ها - عملاً با شکست مواجه شده‌اند یا چندان موفق نبوده‌اند.

آن‌چنان‌که از مطالعات و نتایج طرح‌های صورت گرفته برمی‌آید روند کنونی تغییرات درونی بافت بدون در نظر گرفتن عوامل متعدد تأثیرگذار بر آن قطعاً روندی مطلوب نخواهد بود.

تخریب روزافزون بافت و عدم توانایی ساکنان در جهت مرمت و نگهداری یا بهبود وضعیت آن همراه با گسیختگی‌ها و آسیب‌های اجتماعی موجود شرایط ناهنجاری را برای هسته مرکزی بافت کرمانشاه رغم زده است، محدودیت عرض غالب معابر و دسترسی‌های درون بافت علاوه بر اینکه مانع دسترسی مناسب وسایل موتوری امروزی به داخل بافت گردیده است بلکه بر چگونگی خدمات‌رسانی مناسب نهادهای مسئول - از جمله شهرداری - و تأمین تأسیسات و تجهیزات موردنیاز آنان بسیار مؤثر بوده است.

لذا تداوم این امر به همراه عدم توجه کافی مسئولان یا مقطعی بودن برنامه‌های بهسازی و نوسازی یا مرمت بافت، اثرات غیرقابل جبرانی در آینده بر بافت مرکزی و پیکره شهر به همراه خواهد داشت. مسئله مذکور زمانی حساس‌تر به نظر خواهد رسید که نقش بافت مرکزی و بازار را به عنوان قلب اقتصادی و حتی خدمات عمومی (قرار گرفتن مطب‌ها و کلینیک‌های تخصصی و فوق تخصص - کتاب‌فروشی‌ها و مراکز آموزش غیرانتفاعی - مراکز چاپ و انتشارات - دفاتر خدمات مهندسی و) در نظر آوریم، این مسائل باعث گردیده است تا به بیشتر طرح‌ها و پروژه‌های بهبود بافت با دیدی سوداگرانه و سود آور نگرسته شود و همواره ارزش‌های فرهنگی و تاریخی بافت تحت تأثیر منافع اقتصادی و سود صاحبان سرمایه قرار گیرد. به‌طوری‌که تفسیر بیشتر آنان از اقدامات بهسازی و نوسازی بافت، ایجاد مجتمع‌های آپارتمانی و یا احداث پاساژها چندطبقه است.

البته ناگفته نماند، جدای از این مسائل تاکنون حساسیت‌های ویژه‌ای از جانب مسئولان امر برای ارتقاء وضع موجود یا توان بخشی محدوده بافت وجود داشته است که می‌تواند زمینه‌های مناسبی را برای بهبود آن فراهم نماید. اختصاص اعتبارات مختلف، استفاده از وام‌های بانک جهانی، انجام مطالعات راهبردی در خصوص بهسازی و نوسازی بافت و... از جمله مواردی است که تاکنون در این خصوص انجام شده و در جدول SWOT نیز از آن‌ها به عنوان عوامل و فرصت‌های بیرونی تأثیرگذار در روند بهبود وضعیت بافت قدیم کرمانشاه یاد شده است. ضمناً نباید فراموش شود

که این طرح‌ها زمانی موفق خواهند شد که با اطلاع‌رسانی مناسب و گسترده، اهالی محدوده مذکور را از نتایج مثبت و مؤثر آن‌ها آگاه ساخت تا بتواند مشارکت همه‌جانبه آنان را نیز جلب نماید. زیرا در غیر این صورت باید همچنان شاهد نابهنجاری‌های بافت قدیم و هسته مرکزی شهر کرمانشاه باشیم.

محدودیت عرض معابر به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر و یکی از دلایل اصلی فرسوده‌تر شدن بافت یاد شده است، اما باید خاطر نشان شد که همواره میزان عرض معابر نمی‌تواند به‌عنوان تنها عامل فرسودگی بافت قلمداد شود.

این مسئله تنها زمانی می‌تواند مشکل‌زا باشد که مانع خدمات‌رسانی و یا تأمین تأسیسات و تجهیزات زیربنایی برای ساکنان درون بافت گردد، فلذا در کنار سایر عوامل مؤثر می‌تواند به‌عنوان عاملی کارساز در تداوم روند فرسودگی بافت محسوب گردد. چه‌بسا بسیار مناطقی نیز وجود دارند که با وجود اینکه از عرض بالای معابر و دسترسی‌ها برخوردارند اما به علت عدم دسترسی آنان به خدمات و تأسیسات موردنیاز با مشکلاتی از این دست مواجه می‌باشند.

در کنار عوامل مذکور خالی شدن جمعیت اصیل و بومی آن محدوده و جایگزین شدن خانوارهای جدید کم‌درآمد و غالباً فاقد مالکیت (مستأجر) به‌گونه‌ای عدم احساس عدم تعلق را در ساکنین بافت نسبت به ارزش‌های آن به همراه داشته است، این مسئله نه‌تنها در عدم توجه آنان نسبت به بهبود وضعیت بافت مؤثر بوده است بلکه باعث شده است که در قبال ارزش‌های آن احساس بی‌هویتی و عدم تعلق نمایند. این امر همراه با ضعف بنیه مالی و عدم شناخت کافی آن‌ها از میراث فرهنگی - تاریخی به‌جای مانده گذشتگان، موجب گردیده تا نوسازی و مرمت ابنیه موجود و سیمای کلی بافت آن‌چنان‌که شایسته است، صورت نگیرد.

البته خوشبختانه مدیریت متمرکز بهسازی و نوسازی بافت قدیم و قرارگیری آن در درون بافت و همچنین وجود پتانسیل‌های کالبدی به همراه اجرای مجتمع‌های مسکونی برای اقشار متوسط و کارمندان دولتی باعث هویت بخشی به بافت و افزایش تحرک و رونق اجتماعی آن خواهد شد.

از دیگر برنامه‌های در نظر گرفته شده، پرداخت وام‌های خرید ابنیه فرسوده بوده که دلیل پتانسیل‌های موجود در بافت از جمله هم‌جواری با بازار و وجود عناصر باارزش تاریخی و دارای قابلیت‌های گردشگری و فرهنگی و با انجام مطالعات و برنامه‌های در دست اقدام، می‌تواند موجبات بهبود وضعیت بافت را فراهم نماید.

توصیه‌های راهبردی

توصیه‌های راهبردی طرح در چهار بخش مالی، اجرایی، مدیریتی و ارائه ایده کلی در قالب شکل زیر ارائه می‌شود.

۱) توصیه‌های مالی

از مهم‌ترین بخش‌های هر پروژه ارائه راهکارهای مالی برای اجرا و راهبردهای آینده‌نگری است طرح مطالعاتی بافت فرسوده فاقد راهکار مالی برای ساماندهی است و فقط به تحلیل‌های اقتصادی و سودهای کارفرما اکتفا شده است. توصیه‌های کلی برای بخش مالی طرح ساماندهی خیابان در سه محور اصلی اعمال شده است.

۱- شریک کردن مردم در سود پروژه

۲- مشخص کردم منبع سرمایه‌گذاری

۳- توجه به نرخ تورم و بازار مسکن

۲) توصیه‌های اجرایی

در مبحث توصیه‌های اجرایی بعد از بررسی طرح مطالعاتی بافت فرسوده مشخص شد که این طرح فاقد راهبرد مشخص اجرایی است و فقط صرف مطالعه انجام شده است، به همین منظور دو توصیه برای کاربردی کردن این مطالعات در خیابان مدرس کرمانشاه ارائه می‌شود:

۱- تجدیدنظر در مطالعات به‌روز کردن اطلاعات طرح

۲- استفاده از تجربیات دیگر شهرهای کشور در برخورد با بافت فرسوده موضوعی که در این طرح نادیده انگاشته شده است.

۳) توصیه‌های مدیریتی

طرح مطالعاتی بافت فرسوده محدوده مرکزی با رویکرد ساماندهی بافت خیابان مدرس باید نگاشته می‌شد ولی متأسفانه دیده مدیریتی طرح با نگاه حل معضل ترافیک مرکز شهر کرمانشاه است که از عمده‌ترین نقاط ضعف این طرح به شماره می‌رود. به همین منظور جهت تغییر دید این مطالعات باید سه محور زیر را به‌عنوان توصیه‌های مدیریتی در نظر گرفت.

۱- تشکیل شورایارهای در بافت

۲- تعیین مسئول متخصص پروژه در بافت

۱- راه‌اندازی دفتر در بافت

۴) توصیه طرح خانه به‌جای خانه

مزایایی این طرح برای بافت فرسوده شهر کرمانشاه عبارت خواهد بود:

- هدایت بودجه تملک به بخش تولید مسکن
- استقبال، همکاری و رضایتمندی مردم به دلیل تأمین منافع مشروع آن‌ها
- عبور از مانع تورم بازار مسکن
- اسکان هدمند و برنامه‌ریزی‌شده ساکنان بافت فرسوده و جلوگیری از حاشیه‌نشینی و توسعه این بافت‌ها
- تأمین مسکن مناسب و دارای استانداردهای لازم برای ساکنان بافت فرسوده

- بازگشت دوباره ساکنان به محله خود
- افزایش اعتماد به شهرداری
- عدم کاهش سرمایه و قدرت خرید مردم.

منابع

- ایرجی، حسین؛ پوراحمد، احمد و منفرد، بهاره. (۱۴۰۲). بازآفرینی بافت فرسوده شهر آبادیه با کمترین مداخله و حفظ استخوانبندی. جغرافیا و روابط انسانی، ۶(۳)، ۴۰۲-۴۲۶.
- بازرگان، ع.، حجازی، ا.، و شریفی، م. (۱۳۸۳). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: سمت.
- حبیبی، م.، و مقصودی، م. (۱۳۸۴). مبانی نظری و عملی بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- حبیبی، م.، حاجی‌بنده، م. (۱۳۸۸). بررسی تجربه سازماندهی مجدد زمین در ژاپن برای ایران. فصلنامه شهرسازی و معماری ایران، ۲(۴)، 45-62.
- دهاقانی، م. (۱۳۸۵). تحولات کالبدی شهر کرمانشاه در دوره پهلوی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- زنده‌دل، م. (۱۳۸۴). تاریخ تحولات شهری کرمانشاه. کرمانشاه: انتشارات فرهنگ محلی.
- شمعی، م.، و پوراحمد، ع. (۱۳۸۵). برنامه‌ریزی شهری (با تأکید بر ایران). تهران: سمت.
- صفری شال، م. (۱۳۸۰). مبانی نظری تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: نشر قومس.
- فرهودی، ر.، و محمدی، م. (۱۳۸۴). تحلیل ساختار فضایی شهرهای تاریخی ایران. تهران: دانشگاه علم و صنعت.
- نریمانی، م. (۱۳۷۹). مرمت شهری و حفاظت بافت‌های تاریخی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

- Balas, C. J., & Lopes, J. (2000). City center revitalization in Portugal: Lessons from two medium-size cities. *Cities*, 2(1), 20.
- Bishop, P., Hines, A., & Collins, T. (2007). The current state of scenario development: An overview of techniques. *Foresight*, 9(1), 5-25.
- Burayidi, M. A. (2001). Keeping faith: What we know about downtown revitalization in small urban centers. In M. A. Burayidi (Ed.), *Downtown revitalizing centers of small communities* (p. 291). New York.
- Hayward, R., & McGlynn, S. (1995). Town centers we deserve: Guidance for planning, design and management. *Town Planning Review*, 66(3), 326.
- Inayatullah, S. (2008). Six pillars: Futures thinking for transforming. *Foresight*, 10(1), 4-21.
- Johnston, R. J. (1986). *Philosophy and human geography: An introduction to contemporary approaches* (p. 4). New York.
- Kamnitzer, P. (1972). Computers and urban problems. In H. Sackman & H. Borko (Eds.), *Computers and the problems of society*. New York, NY: AFIPS Press.
- Koomen, E., Kaufholz, R., Rietveld, P., & Scholten, H. (2004). 3D-GIS and urban volume: Applying the third dimension in a morphological study of the Amsterdam urban landscape. In *7th AGILE Conference on Geographic Information Science*, April 29-May 1, 2004, Heraklion, Greece.

- Longley, P. A., & Mesev, V. (2002). Measurement of density gradients and space-filling in urban systems. *Papers in Regional Science*, 81(1), 1–28.
- Pacione, M. (2001). *Urban geography: A global perspective* (p. 151). London and New York.
- Pickard, R., & Thyse, M. (2001). The management of historic centres. In *Towards a common goal in management of historic centres* (p. 276).
- Pun, K. F., Chin, K. S., Gill, R., & White, A. S. (2000). Management issues of strategy formulation: An empirical study of Hong Kong manufacturing enterprises. In D. L. Moore & S. Fullerton (Eds.), *International business practices: Contemporary readings* (pp. 316–324). Ypsilanti, MI: The Academy of Business Administration.
- Shuk-Han Mak, A., Yip, E. K. M., & Lai, P. C. (2005). Developing a city skyline for Hong Kong using GIS and urban design guidelines. *URISA Journal*, 17(1), 33–42.
- Sørensen, A. (1999). Land readjustment, urban planning and urban sprawl in the Tokyo metropolitan area. *Urban Studies*, 36(13), 2331–2350.
- Tallon, A. (2010). *Urban regeneration in the UK*. London: Routledge.
- Thisdel, S., & Heath, T. (1996). *Revitalizing historic urban quarters* (p. 4). Oxford.
- Tomalin, C. (1996). Revisited planning policy guidance for town centres and retail development: How long will it last? *Town Planning Review*, 67(2), iv.
- UN-Habitat. (2024). *Urban regeneration in the context of the New Urban Agenda*. Nairobi: United Nations Human Settlements Programme.
- van Notten, P. W. F., Rotmans, J., van Asselt, M. B. A., & Rothman, D. S. (2003). An updated scenario typology. *Futures*, 35(5), 423–443.
- Wen, K., & Chen, C. (2006). A study of data visualization of thermal environment. In *ASIA GIS 2006 International Conference*, March 9–10, 2006, Johor, Malaysia.
- Williams, G. (2003). *The enterprising city centre: Manchester's development challenge* (pp. 22–23; 79–111). London and New York.
- Wilson, W. J. (2002). From the truly disadvantaged: The inner city, the underclass, and public policy. In *The City Reader* (pp. 210–212).